قتلی که راز شومی را فاش کرد

پایان مرگبار سلطه سیاه همکلاسی

سلطه گری های شیطانی پسری جوان بر همکلاسی اش پایانی مرگبار داشت.

■ **پسر گمشده**

عصر نهم خرداد سال ۹۷ مرد جوانی نگران به پلیس آگاهی تهران رفت و از ناپدید شدن پسر ۲۴ ساله اش به نام کیوان پرده برداشت. پدر نگران گفت: دیروز پسرم همراه یکی از دوستان قدیمی اش به نام آرش از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت وقتی دیدیم اثری از او نیست با موبایلش تماس گرفتیم. می ترسم بلایی سرش آمده باشد سابقه نداشت او شب به خانه برنگردد.

■ **ردیابی های پلیسی**

با این ادعاها و دستور دادیار دادسرای امور جنایی تهران تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند تا سرنخی از کیوان به دست آورند. همه تجسس ها برای پیدا کردن ردی از پسر گمشده به بن بست خورد تا این که پلیس با ردیابی گوشی موبایل کیوان دریافت این پسر آخرین بار به حوالی فرودگاه امام(ره) رفته بود.

■ **بازداشت دوست مرموز**

عجیب این که همزمان با ناپدید شدن کیوان دوست قدیمی اش به نام آرش هم خودش را پنهان کرده بود و ماموران پلیس که او را کلید حل معمای گم شدن کیوان می دانستند به ردیابی های تخصصی دست زدند و خیلی زود آرش بازداشت شد. آرش ابتدا ادعا کرد کیوان را ندیده است اما وقتی دید پدر دوستش او را آخرین بار با پسرش دیده است، گفت: آخرین بار با ماشینم دنبال کیوان رفتم. ما با هم بیرون رفتیم ولی بعد از چند ساعت از ماشین پیاده شد و من دیگر خبری از او نداشتم.

■ **اعتراف فجیع**

این پسر که با دروغ گویی سعی داشت پلیس را گمراه کند سرانجام لب به بیان حقیقت گشود و به قتل اعتراف کرد. وی گفت: من کیوان را کشتم و جسدش را آتش زدم. سپس جنازه را داخل یک چاله در حاشیه فرودگاه امام خمینی (ره) دفن کردم. وی درباره انگیزه اش گفت: کیوان از سال ها پیش مرا آزار می داد. از این وضعیت خسته شده بودم به همین دلیل او را کشتم.

■ **کیفرخواست**

آرش در برابر دوربین پلیس به بازسازی صحنه جنایت پرداخت و کیفرخواست برای آرش به اتهام قتل، جنایت بر میت و سرقت اموال قربانی صادر شد و پرونده این جنایت در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران روی میز قضات قرار گرفت.

■ **در دادگاه**

چندی پیش وقتی جلسه محاکمه آرش برپا شد پدر و مادر کیوان برای آرش حکم قصاص خواستند. آرش هم که حالا ۲۵ سال دارد پشت تریبون دفاع ایستاد و گفت: من و کیوان از دوران مدرسه با هم دوست بودیم. او قابل اعتماد ناظم مدرسه بود به همین دلیل ناظم مدرسه کلید دفتر را به او داده بود و او هم سوالات امتحانی را برداشت و به من هم داد. وقتی سوالات امتحانی لو رفت، ناظم مدرسه متوجه ماجرا شد. از همان سال ها رفاقت ما با هم بیشتر شد. من همیشه به خانه آن ها رفت و آمد داشتم. یک بار مجبور شدم در خانه شان به حمام بروم اما آن روز کیوان از من عکس گرفت و درخواست نامشروعی را مطرح کرد. او می خواست مرا آزار بدهد که قبول نکردم اما تهدیدم کرد اگر به خواسته اش تن ندهم تصاویر برهنه مرا پخش می کند و آبرویم را می برد. او مرا آزار داد و این شروع ماجرا بود. او دست از این کار برنمی داشت و هر بار مقاومت می کردم مرا به پخش کردن عکس ها تهدید می کرد. حتی می گفت دوستانش را می فرستد تا خواهرم را اذیت کنند. او می گفت چند بار خواهرم را تعقیب کرده و از ساعت رفت و آمد های او به آموزشگاه مطلع است و من از ترسم تسلیم خواسته او می شدم. آرش گفت: او حتی یکی دیگر از دوستانم به نام فریدون را چند بار مورد آزار و اذیت قرار داده بود. من آخرین بار تصمیم گرفتم با او صحبت کنم. به همین دلیل با ماشین دنبالش رفتم و گفتم بهتر است دست از سرم بردارد اما او قبول نمی کرد. من که عصبانی شده بودم با مشت به صورتش کوبیدم وقتی دستش را روبه روی صورتش گرفته بود یک ضربه چاقو به او زدم. چون نیمه شب بود از ترسم جنازه را در حاشیه فرودگاه امام خمینی (ره) از ماشین بیرون انداختم. از باک ماشین بنزین بیرون آوردم و آن را آتش زدم. سپس جنازه سوخته را داخل یک گودال دفن کردم، من برای این که پلیس را گمراه کنم کیف پول و انگشتر او را برداشتم. وی افزود: من در مجتمع تجاری کوروش فروشنده ام. من آدم معتقدی بودم و کار غیر اخلاقی انجام نمی دادم. حتی با هیچ دختری دوست نبودم. باور کنید از کشتن کیوان ناراحتم اما ناچار شدم او را بکشم. در یک سالی که در زندان هستم متوجه شدم او مهدورالدم و کشتنش حلال بوده است. وی در پاسخ به سوال قاضی درباره این که چرا از او شکایت نکرده بودی گفت: غرور بی جا داشتم. به همین دلیل به پلیس شکایت نکردم.

■ **اقدام پزشکی**

در پایان جلسه قضات دادگاه وی را به پزشکی قانونی معرفی کردند تا کارشناسان پزشکی قانونی درباره وی اظهار نظر کنند. همچنین قرار شد از فریدون نیز به عنوان مطلع بازجویی و تحقیقات تکمیل شود. با تکمیل تحقیقات و استعلام دوباره نظر پزشکی قانونی آرش دیروز بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه فریدون که به دادگاه احضار شده بود به عنوان مطلع در جایگاه ویژه ایستاد و حرف های متهم را تایید کرد. وی گفت: من چند بار در تله کیوان گرفتار شده بودم و او مرا آزار داده بود. وی گفت: کیوان همیشه با پسرهای کم سن و سال رفاقت داشت و گمان می کنم هدفش از این دوستی ها برقراری رابطه کثیف بود. سپس آرش به دفاع از خود پرداخت و گفت: من چاره ای غیر از تسلیم شدن در مقابل کیوان نداشتم ولی از خودم متنفر بودم قبول دارم آخرین بار تصمیم به قتل کیوان گرفتم بنابر این گزارش؛ در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

تحلیل کارشناس

برخورد مناسب والدین با فرزندان آزار دیده

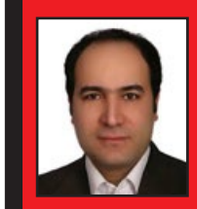

دکتر کاظم قجاوند جامعه شناس و استاد دانشگاه| یکی از مسائلی که در برخی خانواده ها ایجاد بحران می کند و سپس این بحران به جامعه تعمیم داده می شود بحث تعرض به نوجوانان است. برخی افراد در سنین کم و بعضا در سنین بالا از سوی خانواده، محارم یا افراد غیرمحارم، دوستان و آشنایان مورد تعرض جنسی قرار می گیرند و در بیان این مسئله و طرح موضوع با خانواده خود ترس دارند. این افراد از نظر شخصیتی دچار بیماری های روانی می شوند زیرا این حوادث در ذهن شان ثبت می شود و سلامت روان شان مورد تهدید قرار می گیرد. چنین افرادی دچار اختلال پس از سانحه می شوند که به دلیل تابوهای فرهنگی و اجتماعی نمی توانند موضوع آزار جنسی را مطرح کنند و از ترس تنبیه و محدود شدن توسط والدین این مسئله را پنهان نگه می دارند. در آینده این افراد دچار اختلالات شخصیتی مانند شخصیت ضداجتماعی می شوند و حس انتقام گیری در آن ها رشد می کند. رفتارهای تلافی جویانه در این قبیل افراد بیشتر دیده می شود. با مرور برخی پرونده های قاتلان زنجیره ای و زورگویان که در جامعه مرتکب جرایم خرد و کلان می شوند دیده شده این افراد در دوران کودکی مورد تعرض قرار گرفته اند و به دلیل ترس و بیان نکردن آن به خانواده تحت درمان روانی قرار نگرفته اند از این رو با بی رحمی و قساوت کامل در آینده با قربانیان خود رفتار می کنند. ابتلا به اختلال دوقطبی، افسردگی و مشکلات متعدد روانی نیز از رنج هایی است که این افراد تحمل می کنند. نحوه برخورد والدین با چنین حوادثی مورد اهمیت است خانواده ها باید با روی گشاده و صبوری پذیرای سخنان فرزندان خود باشند و به آن ها اطمینان خاطر دهند تا فرزندان بتوانند با خیال راحت طرح مسئله کنند. هر گونه انگ زدن و قضاوت در این حوادث از سوی خانواده منع می شود و والدین باید با پرهیز از عصبانیت و خشمگین شدن به حل این حادثه بپردازند. گاهی اوقات والدین به تنهایی توان حل این مسائل را ندارند و نیاز است این مسائل از سوی یک بزرگ تر یا مشاوران بررسی شود. فرد قربانی و آسیب دیده باید در کنار والدین خود احساس امنیت کند تا بتواند درباره موضوع رخ داده حرف بزند. اگر مشکلات این افراد حل نشده باقی بماند در آینده احتمال این که آن ها افکار خودکشی در ذهن داشته باشند زیاد است. مشورت با یک مشاور در حل این پرونده ها کمک کننده خواهد بود.

قاتل تهرانی ۶ ماه فراری بود

اعتراف به قتل در «جوانمرد قصاب»

عامل جنایت محله «جوانمرد قصاب» در تهران که دوست صمیمی اش را کشته بود بعد از شش ماه زندگی زیرزمینی به دام افتاد.

ساعت ۲۲ شامگاه ششم اسفند سال گذشته گزارش یک درگیری خونین در جنوب تهران به پلیس ۱۱۰ مخابره شد. دقایقی بعد تیمی از ماموران تجسس کلانتری به پارک شهید جهان آرا در محله جوانمرد قصاب رفتند و به تجسس های میدانی دست زدند.

■ **جسدی در پارک**

با پیدا شدن جسد متعلق به جوانی ۲۵ ساله در این پارک بلافاصله بازپرس جنایی و ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران در جریان قرار گرفتند و پا در قتلگاه گذاشتند. کارآگاهان در بررسی های میدانی مشخصات جسد جوان ۲۵ ساله به نام رامین را شناسایی کردند و مشخص شد که قربانی جنایت از ناحیه گردن و کمر هدف اصابت چاقو قرار گرفته است. ماموران در تحقیقات فنی و علمی خیلی زود توانستند قاتل را شناسایی و فاش کنند پسر جوان توسط یکی از دوستانش که جوانی ۳۰ ساله بوده و از اشرار منطقه به حساب می آید، به قتل رسیده است. کارآگاهان در این شاخه تجسسی دریافتند که قاتل و مقتول هر دو بچه محل و دوست صمیمی بودند.

■ **فرار قاتل**

قاتل فراری شده بود و تحقیقات پلیسی برای شناسایی مخفیگاه قاتل تا شش ماه به طول انجامید و کارآگاهان دریافتند که وی در یکی از استان های همجوار تهران پنهان شده است. با دستور قضایی تیمی از کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری قاتل به مخفیگاه وی اعزام شدند و روز ۲۰ تیر امسال او را در مخفیگاهش دستگیر کردند.

■ **اعتراف**

قاتل شرور در بازجویی ها گفت: من و مقتول حدود هشت سال با هم دوست بودیم و به واسطه شغل مکانیکی ام با او آشنا شدم. ما همیشه برای دیدن همدیگر در پارک شهید جهان آرا قرار می گذاشتیم و تا به حال حتی باهم قهر نکردیم چه برسد به این که قتلی رخ بدهد. وی افزود: از رامین مقداری پول قرض کرده بودم دستم خالی بود و او دایم پولش را می خواست تا این که شب حادثه ساعت ۹ شب در مغازه ام بودم و با مقتول تماس گرفتم و گفتم کجایی؟ و او گفت: جای همیشگی من هم مغازه را بستم و ساعت ۱۰ شب بود که رسیدم پارک و باهم خوش و بشی کردیم. قاتل با ابراز پشیمانی گفت: دوستم درباره بدهی من صحبت کرد و گفت چرا اطلبم را نمی دهی و... که ناگهان مشاجره مان بالا گرفت رامین با عصبانیت شروع به ناسزاگویی به من کرد و چاقویی از جیبش درآورد و یک ضربه به دست من زد. درگیری بالا گرفت و من هم با چاقویی که همراه داشتم دو ضربه به او از ناحیه کمر و گردن زدم که بلافاصله رامین خون ریزی کرد و من هم با ماشینم فرار کردم و با ترک تهران در استان همجوار، پنهانی زندگی می کردم که دستگیر شدم. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ؛ با بیان این که کارآگاهان در تحقیقات پلیسی متوجه شدند که قاتل دارای چندین فقره سابقه نزاع و درگیری بوده و روانه زندان شده است و نیز در یکی از نزاع ها مرتکب قتل شده که با رضایت اولیای دم آزاد شده، گفت: با اعتراف صریح متهم به قتل، متهم با دستور قضایی برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف زوایای پنهان پرونده، در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

■ **تحلیل کارشناس**

خطرات حمل چاقو

اسماعیل کمیلی جرم شناس درباره قتل هایی که طی درگیری های آنی رخ می دهد گفت: احتمال درگیری و دعوا در هر لحظه وجود دارد چه در داخل خانه، مراسم خاص عروسی و عزا و خیابان و محفل های دوستانه!

که در این گونه درگیری ها با دخالت ریش سفیدها یا مردم و دوستان شاهد ختم به خیر شدن آن ها می شویم مگر این که یکی از دوطرف یا هر دو چاقو داشته باشند. وی افزود: حمل چاقو همیشه احتمال خطر را بالا می برد چرا که در اوج خشم فرد کنترل رفتار و منطق خود را از دست می دهد و همین چاقو برای فروکش کردن خشم کافی است استفاده شود و فاجعه به بار آورد. این جرم شناس گفت: حتی حمل چاقو های تزیینی خطرناک است و باید جوانان مان در صدا و سیما و مدارس با آموزش های کارشناسانه و حتی نمایش یا بازگویی عاقبت هایی شبیه همین قتل به خاطر حمل چاقو از خطرات آن ها آگاهی داشته باشند و این اقدامات می تواند بازدارنده باشد خانواده ها هم باید حساسیت بیشتری به حمل چاقو توسط فرزندان شان از سنین نوجوانی داشته باشند تا این رفتار عادت نشود و فاجعه به بار نیاورد.

جزئیات جدید از شلیک مرگ در میدان آرژانتین تهران

زورگیر جوان و همدستش در میدان آرژانتین تهران هدف گلوله مرگبار قرار گرفت.

ساعت ۱۴:۳۰ شنبه ۲۲ تیر امسال دو جوان سوار بر موتور در میدان آرژانتین، نرسیده به بانک قوامین بودند که ناگهان صدای شلیک در خیابان پیچیده شد و راننده موتور کنترلش را از دست داد و روی زمین افتاد.

مرد جوان که همراه مرد موتورسوار بود مشاهده کرد که دوستش از ناحیه شکم هدف گلوله قرار گرفته است که به سرعت با امدادگران اورژانس تماس گرفت و پسر جوان به بیمارستان فیروزگر منتقل شد اما تلاش پزشکان برای نجات جان وی بی نتیجه ماند و پسر جوان تسلیم مرگ شد.

تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران و بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند و در تجسس ها پی بردند که این جوان و دوستش از زورگیران و متهمان سابقه دار هستند که هدف گلوله مرگبار قرار گرفته اند.

تیم پلیسی با بررسی دوربین های مداربسته در نزدیکی محل تیراندازی و اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی عامل این تیراندازی شدند.

بنا بر این گزارش، تحقیقات برای دستگیری عامل این تیراندازی مرگبار در دستور کار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

غافلگیری کافه هایی که مشروب سرو می کردند

کافه هایی که مشروب سرو می کردند از سوی پلیس تهران غافلگیر شدند.

دادسرای ارشاد تهران اعلام کرد: طی روزهای اخیر، شهروندان تهرانی دغدغه مند آدرس برخی کافه ها و رستوران های مشکوک به سرو مشروب را از طریق سامانه برای دادسرا ارسال کردند که مبنای بررسی و تعقیب قضایی این اماکن توسط دادسرا شده است.

شایان ذکر است طی عملیات روز چهارشنبه گذشته مأموران پلیس اماکن با پشتیبانی دادسرای ارشاد، نزدیک به ۳۰۰ لیتر مشروب از یکی از رستوران های تهران کشف کردند که مشخصات و آدرس آن، از خلال بررسی مواردی که از سوی شهروندان گزارش شده بود، کشف شد.

دادسرای ارشاد در مقابله با این موارد، بسیار جدی است و ضمن پلمب کافه های مشروب فروش، درخواست اشد مجازات را برای کسانی که با زندگی مردم و جوانان شان بازی می کنند، خواهد داشت. به واسطه حساسیت مسئله و اهمیت موضوع، سرپرست دادسرای ارشاد، شخصاً در عملیات حاضر است تا بررسی صحت واقعه و اقدام مجرمانه را سرعت دهد که این امر، پلیس را در اجرای تصمیم قاطع بدون هرگونه شبهه و اشتباه کمک می کند.

معمای جسد پیرزن در سطل زباله جنوب تهران

پیدا شدن جسد خونین پیرزن در سطل زباله جنوب تهران سناریوی یک معمای پلیسی را پیش روی پلیس قرار داد. ساعت ۵ عصر شنبه ۲۲ تیر امسال مرد جوانی که زباله گرد است در سطل زباله ضلع جنوبی پارک میثاق به بسته عجیبی رسید. یک بسته بزرگ که با یک کارتن بسته بندی شده داخل سطل زباله بود که مرد زباله گرد اقدام به باز کردن کارتن مرموز کرد که با جسد یک زن داخل یک نایلون روبه رو شد. خیلی زود تیمی از ماموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه در محل حاضر شدند و جسد یک پیرزن را که با نایلون و کارتن بسته بندی شده بود به دست آوردند. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس ویژه قتل در محل جرم حاضر شوند که در بررسی های ابتدایی مشخص شد دو ساعت از مرگ زن ۷۰ ساله می گذرد. تیم جنایی پی بردند که پیرزن از ناحیه گردن هدف ضربات چاقو قرار گرفته است و هیچ مدارک شناسایی همراه جسد پیرزن وجود ندارد. بنا بر این گزارش، جسد پیرزن به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای شناسایی مقتول و عامل جنایت در دستور کار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.